

روح ایرانیت بود ، روحی که در طی اعصار و قرون ارضاء خود را از بسی هنرها یافته است .

عظمت و شکوه پرسپلیس که جوابگوی سیاست و مذهب زمان بود ، آنرا قبله گاه خاور باستانی ساخته بود . حجاریهای غنی این کاخ ، تصاویر بازگو کننده جشن نوروزی و یا تصاویری که ستایش خالص نیروی یزدانی را میرسانند و چشم امید بسوی مبدای دارند که زمین آنها را از سرشاری و فراوانی سیراب سازد ، همه این تصاویر با آرامشی اطمینان بخش برپا ایستاده اند و شاهد صادق اعتقاد ملتی بیزدانی قادر و رثوف هستند . سادگی آرام و معقول این تصاویر بیصدا با حجاریهای خشن و بدوی و آراسته بجزئیات برهیاھوی آشوری تفاوتی عظیم دارد .

صنعتگران این زمان مهارت غیر معمولی و احساس زیبایی و نبوغ خود را در بسیاری از هنرها خاصه ظروف فلزی و گلی نشان دادند . ظروف گلی آنها با نقش و نگارهای تزئینی حیرت آوری ساخته شده است . تسلط هنرمند در ساختن و پرداختن این ظروف و در آوردن آنها بصورتی که هدف ساختمانشان را بشاید ، شگفت آور است .

هنرهای ساسانی با اشکال تازه ای ، عظمت ، قدرت و وقور آثار هخامنشیان را ادامه داد . معماری ساسانی هر چند فاقد استعمال سنگ و ساختمان بناهای سنگی گران قیمت مانند معماری هخامنشیان بود ؛ اما در بکار بردن مصالح دیگر و بدعت در ساختن طاق های هلالی و گنبد ها گامی فراتر نهاده بود . و این گام مقدمه ای بود برای حل مسئله انعکاس صوت که حتی از نظر تیزبین معماران رومی مخفی مانده بود . معماران ساسانی به پوشش فواصل وسیع با مواد سخت توفیق یافته بودند و مؤثرترین راه طاق زدن بر روی مربع بنا را آموخته بودند و این امر یکی از مشکل ترین و اساسی ترین اختراعات معماری بود و همین مقدمات بعدها در کلیه آثار معماری ایرانی طی قرون بعدی تکمیل گردید . بعضی از اصول معماری ساسانی بود که راه را برای ترقی معماری گوتیک یعنی عامل عظمت اروپای قرون وسطی هموار ساخت .

در عهد ساسانی هنرهای دیگر نیز غنی بودند . چند نمونه پارچه ای که از این زمان مانده است گرانبها ترین پارچه های بافته شده جهانند . نقش این پارچه ها اصیل و قوی

از پروفور آرتور پوپ

نظری بهنر ایران

تاریخ ایران مشحون از فتوحات درخشان شاهانه و مصائب دشوار است . بنظر میرسد که تمدن ایرانی در هر دو موقعیت روز بروز در شکفتگی و نمو بوده است . ایستادگی در برابر مصائب و از نو بنا ساختن استقلال و حیات ملی با مصالحی تازه ، در عین آنکه شکست هر امیدی را در دلها شکسته ، بعقیده بعضی از مورخان جدید از عظیمترین خصائص یک ملت است .

در تاریخ جهان مثال دیگری نظیر این خصیصه ایرانیان که بعد از هر مصیبت ویران کننده ای از نو قد بر افراشته اند وجود ندارد . دلائل این مشخصه روشن نیست . شاید تا حدی اوضاع جغرافیائی و با آب و هوای مساعد انگیزه رستخیزهای این ملت بوده است . اما تنها دلائل مادی کافی نیست . تنها آنگاه که علل مادی با اختصاصات روحی توأم میشوند نیروی خلاق ملتی مانند ایرانیان این چنین میشکند . و خصائص روحی و معنوی است که عظمت ایران را تضمین کرده است . مذهب و ادبیات و فعالیت های هنری ایرانی است که عظمت اصیل این کشور را بنا نموده است . نیروی اخلاقی شگرف این ملت بود که تربیت کژد ، تسلا داد ، الهام بخشید و قرون متمادی تمدن عظیم بشری را راهبری کرد .

ملت ایران ، این شاعرانه ترین ملت ها ، با جهان بینی فلسفی و هنریش حقایق فوق حس و واقعیت را موشکافت و از این موشکافی نیرو و امید و مقصد عالی یافت . فردوسی « قلعه و پناهگاه روح ایرانی » بود که بیش از غنای مادی و نیروی اقتصادی یا نظامی ، روح ایرانی را در گرما گرم وحشت و ویرانی مغول پناه داد . اما فردوسی تنها یک مظهر

است و در عین حال ظرافت دارد. رنگهای آنها در عین آرامش نسبی، خوب انتخاب شده است. تکنیک این پارچه‌ها ساده اما کاملاً مناسب و بجاست و روی هم رفته معنای رمزی نقشها گویا و بیان کننده است.

حجاریهای عظیم در سینه کوهها که یانشان دهنده واگذاری سلطنت و یا نمودار پیروزی شاهان ساسانی بر امپراطوران رومی است، آنچنان نماینده یاد گاریها و یاد بودها هستند که کمتر نظیر آنها را میتوان یافت. در حالیکه بشقابهای طلا یا نقره ساسانی معجزات قن اند. ظروف برنزی با اندازه‌های سترگ و ترکیب‌های خاصشان مناسب برای تزئین سفره شاهان بزرگ و درباریان آنها میباشد. از آنهمه بشقابها و صراحی‌ها و جامها که برای نجوا در عهد ساسانی ساخته شده است یکی از هزار بیشتر باقی نمانده است و آنچه تا کنون کشف گردیده است در موزه‌های معروف در عداد گنجینه‌های گرانبها قرار دارد.

ظهور اسلام ایمانی جدید و ارزشهایی تازه و خنودی نو بوجود آورد. تصور و معابد عظیم ساسانی کم کم جای خود را بمسجد داد. مسجد که مرکز اجتماع سیاسی و مذهبی مردم بود. ابتدا یعنی در قرن هفتم میلادی ساختمان مساجد بسیار ساده بود. در این قرن مسجد بنائی بود که در آن نماز جماعت برگزار میشد و با وقایع و اخبار اعلام میگردد. اما بزودی بیان «احساس» و «عبادت» در نقشه و ساختمان مساجد رعایت شد. در قرن هشتم میلادی مساجد دارای عظمت مؤثر و زیبایی خاص گردیدند در عین حالیکه ساختمان آنها تا حدی ادامه سبک معماری ساسانی با تزئینات ساده و با شکوه بود.

بزودی نبوغ تزئینی ایرانی راه تازه‌ای برای ابراز یافت. کج بریها و تذهیب‌های رنگارنگ بوجود آمد. سطوح مزین بطرحهای تجرید یافته و یا طرحهای مجرد نباتات و گلها با زیبایی هرچه تمامتر مساجد را زینت داد. این تزئینات تا قرن چهارده روز بروز در تکامل و بدعت بود. مقابر شاهانه با برجهای یاد بودشان در غالب نقاط ایران نظر اندازهای شاعرانه بوجود آورده اند. از همه این بناها زیباتر بنای یادگار گنبد قابوس در گرگان است. که در سال ۱۰۰۷ م. ساخته شده است. بنائی است اسرار آمیز،

نیرومند و غم انگیز. شاید عالیترین مزارهای موجود باشد. ساختمان گنبد در بناهای عهد سلجوقی بنهایت کمال رسید و نشان این کمال خاصه در دو گنبد مسجد جامع اصفهان مشاهده میشود. گنبد کوچکتر این مسجد کاملترین گنبدی است که تا با امروز باقیمانده است. هلال طاق آن ظریف ترین طاقهای هلالی است. تزئین هم آهنگ داخلی آن از قوسها و هلالهایی است که در هم آویخته اند و با نظم منطقی ادامه یافته اند. این تمها و ادامه و تکمیل آنها همواره مورد توجه معماران هر مکتبی قرار گرفته است. این بنا با عظمت خاموش و جدی و اسرار آمیزش یکی از بزرگترین آثار معماری جهان است.

اعتقاد باسلام که میان غالب ایرانیان بنا بر رغبت شخصی بود هنر نوی را که در نظر شرقیان هنری پس مهم بود بوجود آورد و تقدیر آن بود که این هنر در ایران باوج خود برسد. و آن هنر خطاطی بود. احترام بکلام مقدس خداوند که چاوشی سعادت و زندگی جاوید بود باعث بوجود آمدن احترام آمیزترین کتابت‌ها شد. خط بدوی عرب بظرافت گرائید و توسعه یافت و اولین پیشرفتهای هنر خط در شهر کوفه انجام گرفت و خط کوفی منسوب باین شهر بواسطه تفراتش شهرت زیاد یافت. القبائی قوی و اصیل مدون شد که عظمت کلام الهی را شایسته باشد. نبوغ ایرانی این القبا را معقول و متناسب ساخت تا بجائی که خط کوفی تزئینی ترین و گویا ترین خطوط گردید. ذوق بخت خوش که این چنین انگیزه شده بود باشتیاقی منجر شد که حتی بسواس کشید. آتش این اشتیاق مدت هزار سال در دل مسلمان افروخته بود.

ضمناً هنردیگری که باز در آن ایرانیان بنهایت مهارت رسیدند بوجود آمد و آن صنعت ظروف سفالی بود. شاید پیشرفت ظروف سفالی لعابدار تا حدی بواسطه منع مذهبی ظروف فلزی گرانبها (طلا و نقره) تسریع گردید. در پایان قرن هشتم م. در مشرق ایران ظروف سفالی ممتاز با نقشهای جالب و رنگهای بدیع بوجود آمد و در قرون نهم و دهم میلادی در غالب نقاط ایران ظروف عالی ساخته گردید.

(۱) رجوع کنید به مقاله بشقابهای لعابدار نیشابور - در شماره دوم همین مجله.

اما در این هنگام تأثیر هنر چینی بر این ظروف کاشی آشکار بود و این نفوذ مخصوصاً در بکار بردن لعابهای طلائی و قهوه‌ای و سبز آشکارا احساس میشود. در واقع بسیاری از نمونه‌های صنعتی این عهد چنان شباهتی بمدلهای چینی دارد که تشخیص ظروف ایرانی از چینی جز با آزمایش فنی امکان ناپذیر است.

ایرانیان بکمک نبوغ خود و تجارینی که از آزمودن سبکهای دیگران کسب کردند عالیترین انواع ظروف سفالی لعابدار را بوجود آوردند که تنها چینی‌ها و یونانیها تاب رقابت با آنها را داشتند و تازه از بعضی جهات صنعت سفال ایرانی عالیتر بود.

سفال ساز ایرانی بموادى که در صنعت خود بکار میبرد وفادار بود. جنس گلی را که بکار میبرد پنهان نمیداشت بلکه آنرا فریبا تر و رنگین تر عرضه میداشت. ظروف سفالی ایرانی سبک وزن و ظریف است. تزئینات با جنس ماده اصلی متناسب است. اشکال و رنگها با مجموعه میخواند. نقشهای غنی حیوان و گل و اشکال هندسی در نقاط مختلف ایران با سبک و رنگ محلی تکمیل گردیده است.

فن کتاب نویسی در ایران با استنساخ نسخه اصلی اندرزنامه کیکاوس بن وشمگیر (قابوسنامه) که در ۱۰۹۰ م. خاتمه یافت آغاز گردید. این کتاب اولین کتاب مصور فارسی است و بعدها این فن ادامه یافت. قسمتی از تصاویر شاعرانه و زیبای این نسخه اینک در موزه «سین سیناتی» و بقیه آن در اختیار مؤسسه گورگیان است. ایرانیان در هنر تصویر کتب خطی روز بروز ماهر تر شدند. نشان این مهارت را در تصاویر حیوانات کتاب منافع الحیوان که در کتابخانه مورگان نگاهداری میشود و همچنین در تصاویر حزن انگیز و قوی شاهنامه معروف «دموت» میتوان ملاحظه کرد. سیر تکاملی نقاشی ایرانی بهنگام سلطنت تیموریان در اواخر قرن پانزده میلادی باوج خود رسید. هنرمینیاتور و تذهیب و جلدسازی در این زمان بود که بعد اعتلا رسید. طرحها و نقاشیهای این زمان بجلال و تازگی رؤیا مانندند. رؤیای جهان کاملی که در آن ابهام سایه‌ها وجود ندارد.

صنعت نساجی نیز بتکاملی نظیر کمال نقاشی ایران رسیده است. این صنعت در زمان آل بویه و سلاجقه بنهایت قدرت فنی

خود رسیده است. چنانکه مثل دسته‌ای از هنرهای ایرانی دیگر بوجود آوردن نظائر آنها امکان نیافته است. هفتاد نقش موجود که از آن زمان‌ها مانده است تنها نشان ممارست فنی نیست. این نقش‌ها از نظر مقیاس بعد متوسط تعدیل یافته‌اند و بعلاوه طوری تعبیه گردیده‌اند که زیبایی جامه‌ها را عمیق تر جلوه بدهند. ذوق هنری و وسواس، آزمودن نقش‌های گوناگون را ایجاد کرده است. ملانک مقرب، هروئات و امرتات (خرداد و مرداد) که در فردوس برین در انتظارند تا ارواح در گذشتگان دنیوی را خوشامد گویند؛ حیوانات چالاک، خطوط حیرت آور کوفی، اشکال قوی هندسی، تمام این‌ها با مهارت بیمانندی نقش گردیده‌اند. رنگ این نقشها تیره است اما تأثیری همچنان آور دارد.

در فلز کاری و نقش روی فلز سابقه مهارت ایرانیان بفلز کاریهای لرستان (۷۰۰ تا ۱۴۰۰ ق. م.) میرسد. اما فلز کاری ایران در هر زمانی سبکی نو و زیبایی حیرت آور و شاعرانه‌ای یافته است و غالباً بنهایت کمال فنی ساخته و پرداخته گردیده است.

یورش مغول با خشونت بی سابقه‌ای بناهای آباد و بشمار پیشینیان را ویران ساخت؛ اما سلاطین اخیر مغول مانند غازان خان و الجایتو که تربیت یافته تمدن ایرانی بودند با توجه بسنت ایرانیان بناهای با عظمتی ساختند که از نظر شکل و مقیاس ساختمان و شکوه تزئینات در عدد شاهکارهای معماری جهان قرار گرفت. مزار غازان خان (که اینک ویران گشته) مسجد عیشاه (ارک تبریز) با طاقی که چهارصد پا بهنا داشت؛ یعنی ۳۴ پا از وسیعترین طاقهای اروپائی و سیعتر بود و مقبره الجایتو در سلطانیه با گنبدعالیش که با بناهای با عظمت پرسپلیس و طاق کسری در تیسفون و معابد و حمامهای رومی و کاتدرالهای عظیم اروپائی کوس برابری میزند، از آثار این سلاطین است.

یورش تیمور لنگ در آخر قرن چهارده میلادی از نو این ملت رنجیده را از پا در آورد. چهل سال سلطنت اجامر و جنگهای داخلی روحیه این ملت نجیب را ضعیف ساخته بود اما باردیگر فاتحان مغلوب و رام ذوق سلیم و شاعرانه و لطافت اجتماعی تمدن ایرانی گردیدند. و سلاطین تیموری به پیروی خود تیمور بساختن مساجد و مقابر

با عظمت پرداختند. عالیترین نمونه‌های این آثار مسجد گوهرشاد در مشهد (۱۴۱۸ م.) و مسجد کبود تبریز است. زینت این بناهای عالی کاشی کاربهائی است که اینک بکمال رسیده بود. رنگ آمیزی این کاشی هادرنهایت هم آهنکی است. آبی لاجوردی و آبی فیروزه‌ای که در کنار سفید عاجی و زرد کمرنگ جلوه می‌کنند و در کنار سبزمردین و سیاه‌صیقلی. پررنگ‌تر بنظر می‌آیند؛ قطعات کاشی این آثار را بصورت تابلوهای نقاشی هم آهنکی درآورده‌اند. بناهایی با چنین رنگهای مطبوع: رنگهایی که فقط قطعات کوچکی رانگین ساخته‌اند تا در کنار قطعات کوچک دیگر طرحهای ظریف گله‌اوبته‌ها و اسلیمی‌ها را تکمیل کنند، جلالی آسمانی دارند. چنین جمالی بچشم ایرانیان آشنا و عادی است اما دیده دیدار کنندگان دیگر دیارها را از حیرت خیره می‌سازد. تزئینات درون این بناها هم آهنک بازیائی برون است. گچ برهای رنگارنگ نقش اساسی تزئینی را برعهده دارند. بدنه ستونها و محراب مقدس با کاشیهای شفاف و متش که اختراع خاص ایرانیهاست پوشیده شده است. صیقل درخشان این سطوح درنور چراغها با شعله‌های طلائی و اسرارآمیز متاللی* میگردد.

بعد از این همه ابداع و ابتکار بی نظیر آدمی منتظر است که مهارت معماران ایرانی بفرسودگی گرائیده باشد. اما باز در زمان شاه عباس اول (۱۵۸۷ - ۱۶۲۹ م.) ناگهان بناهای با عظمتی برپا میگردد که اصفهان پایتخت صفویه را زیباترین شهرهای جهان می‌سازد. این ساختمانهای عظیم طبق سنت قدیم ایران از خاک، این ماده ناچیز و خاضع و خاموش، برپا گشته است. مانند مسجد شاه (۱۶۱۱ م.) و مسجد شیخ لطف‌الله (۱۶۲۳ م.). اما همین مواد بیجان در دست معمار ایرانی چنان جانی گرفته است که کاملترین بناهای جهان در برابر آنها فرسوده و بیروح مینماید.

از قالی و گلیم معروفترین صادرات ایرانی چه بگوئیم؟ قالی ایرانی نشانه تجمل شاعرانه دزسرتاسر جهان است. شاهکارهای قالی ایران از عهدساسانی شروع میشود. فرش بهارستان و هم چنین زمستان خسرو، فرشی ابریشمین با تارها

و بودهای زرین و سیمین بود و با جواهرات زینت یافته بود. اندازه آن بزرگی ۷۶×۱۲۱ پا بود و چنانکه از فروش قطعات آن بوسیله فاتحان عرب برمیآید، قیمت آن میبایستی بالغ بر صد میلیون دلار بوده باشد!

از قالیهای ایرانی که ارزش هنری داشته باشد قبل از اوائل قرن شانزدهم میلادی چیزی باقی نمانده است. در این زمان در عهد سلطنت شاه اسمعیل و شاه طهماسب (۱۵۲۴-۱۵۷۶ م.) نقشه ظریفترین قالیهایی که جهان بخود دیده است کشیده شد و بافت این قالیها در همین زمان انجام گرفت. شاه طهماسب نه تنها خبره و قالی شناس بود بلکه خود از نقشه کشی و طرح قالی اطلاع داشت. طراحان و بافندگان هیچ کشوری در طرح روشن و دقیق و در تخیلات شاعرانه و در بافت ظریف بیای قالی باقان و طراحان عهد صفویه نمیرسند. اگر بعضی از قالیهای آسیای صغیر و هندوستان از جهت رنگ عمیق تر و رنگین تر از قالیهای صفویه بوده است اما هیچ فرشی از نظر تنوع و کمپوزیسیون و رنگ آمیزی بیای قالیهای مساجد و قصور شاهان ایرانی نمیرسد. تمام این قالیها اینک در موزه‌ها نگاهداری میشوند. ارزش این قالیها مانند بهای کاخهاست. این قالیها محصول رنج دسته جمعی مذهبان و رنگرزان و بافندگان و طراحان هستند. مانند یک قطعه موسیقی سفونی هم آهنک و از اجزاء متنوع فراهم آمده‌اند. طرحهای درونی و درجه دوم، باریکهای حیرت آور با نقشه‌ها و طرحهای اصلی در هم آمیخته‌اند. هر چند محصول قالیهای هنری و عالی تقریباً در اوائل قرن هفدهم پاپان یافته بود اما این صنعت بدیع در ایران از نو احیا شده است و در شهرهای کرمان و بیرجید و مشهد در حال حاضر قالیهایی بافته میشود که از نظر رنگ آمیزی و بافت بظرافت عهد صفوی است. هر چند ممکن است نقش این قالیها باصالت و غنای مدلهای اولیه نباشد اما باز میتوان آنها را وارث صنعت باستانی ایران دانست. ایران بکمک هنر خود عقل و دل مردم متمدن جهان را مسخر کرده است. فتحی که بذال و کریم است، دائماً در تزیید است و جاودانی است.